

ستون‌صدای مشاورجایی برای بیان پرسش‌هاومشکلات حقوقی شما شهروندان است که می‌توانید آن‌ها را با ما در میان بگذارید وباسخ پرسش‌های حقوقی خود رازان قضات دادگستری، وکلای کارشناسان حقوقی دریافت کنید.
پيامک:
تلفن:
۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
۳۰۰۰۷۲۸۹
حقوق و قضا

وارد نزاع های جمعی نشوید



فرزانه عمادی شرکت کنندگان در نزاع های دسته جمعی مجازات می شوند، زیرا:

- طبق قانون مجازات اسلامی نزاع های دسته جمعی از جرائم غیر قابل گذشت است که گذشت شاکی در اجرای مجازات اثری ندارد. در نزاع دسته جمعی به دلیل اخلاف در نظم عمومی حتی اگر شاکی هم وجود نداشته باشد ویافرد آسیب دیده اصلا شکایتی مطرح نکند باز هم شرکت کنندگان در نزاع دسته جمعی مجازات می شوند.
- باید در نظر داشت صرف شرکت در نزاع و تحقق نتایجی مثل قتل، نقص عضو یا ضرب و جرح، سبب محکومیت هر یک از مرتکبان به کیفرهای قانونی خواهد شد. ضرورتی ندارد که شرکت کننده در نزاع، خود نیز ضرب و جرحی وارد کرده باشد.
- وجود سه نفر در تحقق نزاع دسته جمعی کافی است و منازعه باید درگیری فیزیکی باشد، نزاع لفظی شامل مجازات نزاع دسته جمعی نیست
- شرکت کنندگان در نزاع دسته جمعی در صورتی که نزاع منتهی به نقص عضو فردی شود، هر کدام از شرکت کنندگان به حبس از شش ماه تا سه سال ،و چنانچه نزاع دسته جمعی منتهی به ضرب و جرح شود، هر کدام از شرکت کنندگان به حبس از سه ماه تا یک سال و در صورتی که نزاع صورت گرفته منتهی به قتل شخصی شود هر کدام از شرکت کنندگان در نزاع و درگیری به حبس از یک سال تا سه سال محکوم می شوند.

داستان جنایی
مه (قسمت دوم)

ایلپیا موسایی| طبقه بالای خانه، عمه و مادر بزرگ غزاله می‌نشستند. که همیشه خدا بهم سر چنگ داشتند. عمه دختر ۱۹ ساله ای بود که تمام فکر و ذکرش نقاشی بود. می‌گفت چیزهایی را نقاشی می‌کند که با چشم دیده نمی‌شوند، طعم بد غذاهای مادرش، بوی کفش‌های برادرش ناصر، سرمای یخچال لق لقای آشپزخانه و صدای خرخرگر به‌ه‌اوقتی پشت گوششان را می‌خارانی و چیزهای زیاد دیگری که همین طور عجیب و غریب بودند. رنگ روغن را همیشه باتینر و نفت قاتی می‌کرد و هر کسی یا پیش را می‌گذاشت طبقه بالا از شدت بو خفه می‌شد. از موقعی که غزاله غیبش زده بود، حال نقاشی نداشت. فقط می‌نشست رویه روی بوم سفید و اگر نزدیک می‌شدی، لکه‌های سفیدی روی بوم سفید می‌دیدی که خودش می‌گفت یک دختر است که سر تا پا پیش را با لباس سفید پوشانده اند و توی برف ایستاده. این نقاشی سفید در سفید یک ماه می‌شد که روی بوم منجمد شده بود. محبوبه دل و دماغ نقاشی کردن را از دست داده بود و مثل بقیه اعضای خانه فقط روی صندلی فلزی که با تکه‌های چرم وصله‌پینه شده بود می‌نشست و بعد از سکوت طولانی یک‌هو گریه می‌کرد. مادرش زنی ۷۴ ساله بود که تمام روز ساکت یک گوشه می‌نشست و یا پاهایش را دراز می‌کرد. یک هفته بعد از غیب شدن نوه‌اش، راه رفتنش توی خواب شروع شد. اولین شب صدای حرف زدن کسی را توی حیاط شنیده بودند. محبوبه دخترش از پنجره طبقه بالا لاسرک کشیده بود و دیده بود مادرش کنار حوض کوچک نشسته و یادستش آب را حرکت می‌دهد و با خودش می‌گوید و می‌خندد. یک شب دیگر دیده بودند اسباب بازی‌های غزاله را توی راه پله کوت کرده که آتش بزنند. روی اسباب بازی هاتینر ریخته بود و هر چه کبریت خیس را روی پاکت می‌کشید روشن نمی‌شد. این بار پسرش ناصر با صدای موزون لالایی مادرش بیدار شده بود و دیده بود که روی راه پله بین طبقه هانشته و می‌خواهد آتش روشن کند. وقتی بیدارش می‌کردن هیچ چیز به یادداشت. می‌گفت چیزهایی محو تا رتوی ذهنش مانده که توی خواب دیده. همین باعث شده بود که همه نگران این باشند مباد آشبی بیدار شود و توی خانه راه بیفتد و بالایی سر خودش با بقیه بیاورد.

آن شب محبوبه با صدایی شبیه به آوای که از دور می‌آمد بیدار شد. هوای خنکی توی خانه جریان داشت و برای همین مجبور شد ملحفه را دور خودش بپیچد. اولین کاری که کرد سر زدن به مادرش بود، تشک مادر خالی روی زمین توی گوشه همیشگی پهن بود. پتوبه یک سمت پرت شده بود و مادر نبود. محبوبه زیر لبی گفت، «خدا مرگم بده، توی پذیرایی خشکش زد. تاریک بود و فقط هاله نور کدزی از بیرون می‌تابید. سایه مادرش را نشسته بر روی صندلی دید، رویه روی بوم. بوی تینر خانه را برداشته بود. چراغ را که روشن کرد توی دست‌های مادرش کبریت دید. مادر سرش را از آرام حرکت می‌داد و کلماتی آهنگین زمزمه می‌کرد. محبوبه گفت «مامان... داری چیکار می‌کنی؟، مادر انگشت‌های دراز و استخوانی اش را به سمت نقاشی روی بوم گرفت. چیزهای نامفهومی گفت که محبوبه مجبور شد نزدیک تر بایستد تا بهتر بشنود. محبوبه فقط فهمید چیزی شبیه «خونه ملیحه، می‌گویند انگشت‌هایش را از بس به بوم زده نوک انگشتانش رنگی شده اند، روی بوم یک نقاشی تاریک بود، ترکیبی از رنگ‌های سیاه و سورمه‌ای با کمی سبز. یک لکه سفید و آبی هم آن وسط دیده می‌شد که تار و محبوب. محبوبه از پنجره سرک کشید و به خانه‌های آن سمت کوچه نگاه کرد. دست هایش را گذاشت روی گونه هایش، «خداااا، صبح که مادر بیدار شده بود و وقایع دیشب را اصلا به یاد نداشت از پله‌ها پایین آمد. محبوبه داشت توی موبایل می‌گفت «اگه می‌دیدي، سایه‌ها و همه چی رو حرفه‌ای زده...» بعد گفت «کانون نور، یک‌هو بر گشت و مادرش را که دید چشم هایش توی حقه درشت شدند...

شهر

شنبه
۱۸ خرداد ۱۴۰۱ ۵ دی‌السنده ۱۴۴۴ شماره ۶۳۸

۱۲



لودن

مسافران شیطانی ۴۰۵

تبهکارانی که با کرایه خودروهای شخصی نقشه زورگیری های خشن را اجرا می کردند ، به دام قانون افتادند

مهدي قرآنی

مرد جوان که سر و وضعش خاکی بود، به سراغ یکی از شهروندان رفت و او را خواست تا با پلیس تماس بگیرد. می‌گفت از دل تاریکی در بیابان خط نور شهر را گرفته و خودش راه آبدی رسانده است. زمانی نگذشت که یک دستگاه خودرو و گشتی پلیس به محل رسید و مرد جوان به همراه مأموران، به کلانتری محل رفت. شاکی در اظهاراتش مدعی شد که از سوی یک گروه چند نفره هدف زورگیری با تهدید سلاح سرد قرار گرفته و خودرواش را هم از دست داده است.

با توجه به حساسیت ماجرا پرونده فردای همان روز به اداره مبارزه با جرائم خشن پلیس آگاهی مرکز استان خراسان رضوی ارجاع داده شد و مرد مال باخته برای تکمیل تحقیقات پلیسی به این مرکز فراخوانده شد. شاکی در رویارویی با افسر تحقیق پرونده اش، پرده را از سرقت شبانه چند زورگیر برداشت و گفت: سه جوان کم‌سن و سال بودند که در یکی از خیابان‌های مرکزی شهر، کنار خیابان منتظر تا کسی بودند. بادیبن آن‌ها، بوقی زدم و به طرفشان رفتم. یکی از جوان‌ها گفت که می‌خواهند به یکی از مناطق حاشیه شهر بروند و چون کار دارند حاضرند مبلغ بیشتری نسبت به کرایه مسیر بپردازند. آن‌ها را اسوار کردم و در بین راه هم با آن‌ها وارد گشت و گو شدم.

ساعت از نیمه گذشته بود که به مقصدشان رسیدیم. همان جوان اولی از من خواست تا به یک منطقه بیابانی بروم. اگر چه دلم رضایت نداشت بیشتر از این جلوبروم اما نمی‌دانم چه شده که وارد خیابان فرعی شدم. در میان راه به یک باره لحنشان عوض شد. آن‌ها علاوه بر تهدید با چاقو به من فحاشی کردند که مبادا بر روی ترمز بزنم و خودرو را متوقف کنم.

مرد جوان ادامه داد: درست همان کاری را که می‌خواستند انجام دادم و بعد از طی مسافتی در بیابانی در اطراف مشهد خودرو را متوقف کردم. از خودروام مرا بیرون انداختند و بعد هم ماشینم را سرت‌کردند.

سرقت مشابه موتورسیکلت
پیگیری این پرونده ادامه داشت که گزارشی مشابه از سوی شهروند دیگر مشهدی به دست کارآگاهان اداره مبارزه با جرائم خشن پلیس آگاهی رسید. در این پرونده نیز افرادی با جازدن خود به عنوان مسافر و با تهدید چاقو یک دستگاه موتورسیکلت را سرت‌کرده و متواری شده بودند.

تحقیقات این پرونده با رد زنی خودرو و موتورسیکلت سرقتی ادامه داشت تا اینکه مجریان قانون با استخراج تصاویر چند دوربین مدار بسته در حوالی صحنه‌های جرم موفق به شناسایی یکی از متهمان شدند. **دستگیری زورگیران در باغ ویلا**
سرنخ‌های به دست آمده از یکی از متهمان این پرونده موجب شد تا مأموران خیلی

قتل پدر به دست پسر ۲ساله!

آمریکا- ایسنا/ مقامات محلی ایالت فلوریدای آمریکا اعلام کردند که یک پسر بچه دوساله پس از پیدا کردن اسلحه پدرش، به‌طور اتفاقی به سمت او شلیک کرد. در این حادثه پدر ۲۶ ساله این کودک خردسال جان خود را از دست داد. به‌گفته مقامات محلی، مادر این کودک نیز اکنون با اتهامات جنایی روبه‌روست. پلیس محلی نیز گفته است که این زوج به دلیل نداشتن سرپرستی مناسب و بی‌توجهی به فرزندانشان و همچنین نگهداری مواد مخدر، در آزادی مشروط به سر می‌برند.

آتش‌سوزی گسترده در نجف

عراق - ایرنا/ انبارهای چند فروشگاه لوازم خانگی

زودی به هویت او برند و زمانی نگذشت که این فرد به همراه دو تن از همدستانش در حاشیه شهر مشهد مشاهده شدند. مأموران در اقدام بعدی خود با دنبال کردن در متهمان این افراد را در یک باغ ویلا در اطراف مشهد شناسایی و در عملیاتی غافل‌گیرانه این افراد را دستگیر کردند.

به‌گفته رئیس پلیس آگاهی استان خراسان رضوی، ضابطان قضایی در بازرسی از این باغ ویلا یک دستگاه خودرو سواری

پژو ۴۰۵ متعلق به شاکی پرونده را کشف و توقیف کردند. سرهنگ جواد شفیع زاده افزود: مأموران در مرحله دیگری از این عملیات با استفاده از اطلاعاتی که سه متهم به دام افتاده در اختیارشان قرار داده بودند، رد و هم‌دست دیگر این افراد را گرفته و آن‌ها را با یک دستگاه موتورسیکلت سرقتی دستگیر کردند.

این مقام ارشد پلیس آگاهی استان ادامه داد: مأموران ضمن توقیف موتورسیکلت

سرقتی در بازرسی بدنی از این افراد چند دستگاه گوشی تلفن همراه مسروقه را هم کشف و ضبط کردند. سرهنگ شفیع زاده بیان کرد: ۵ متهم به دام افتاده در بازجویی‌های پلیسی به جرم خود اعتراف کرده و پرونده این افراد برای طی مراحل قانونی در اختیار دادسرا قرار گرفت. سارقان نیز با قرار متناسب قضایی روانه زندان شدند و تحقیقات کارآگاهان پلیس برای کشف دیگر جرائم احتمالی آن‌ها ادامه دارد.

فرد مفقود شده ادامه دارد.

توفان گرد و غبار ۴کشور را در نوردید

جهان- باشگاه خبرنگاران جوان/ توفان گردو غبار که چندی پیش از منطقه غرب آسیا شروع شده بود، روز گذشته سه کشور عراق، کویت، عربستان سعودی را درنوردید. بر اساس گزارش العربی مرکز ملی هواشناسی عربستان، گرد و غبار یا یابخت و مناطق شرقی و غربی کشور ادر بر گرفته که این پدیده تا عصر دیروز ادامه داشته است. تعداد ۴ هزار عراقی نیز در پی وقوع این حادثه به دلیل مشکلات تنفسی در بیمارستان‌های سراسر این کشور بستری شدند. همچنین شرکت‌های به‌بندر کویت تردد در یایی را به حالت تعلیق در آوردند.

وحشت در خیابان وحدت

آتش‌سوزی گسترده در ۳فروشگاه دوچرخه و موتورفروشی، خسارت‌های فراوانی بر جا گذاشت



تاکنون از حوادث سخت‌تری همچون آتش‌سوزی برج سلمان و... سر بلند بیرون آمده بودند. با دستور تخصصی فرمانده عملیاتی، عملیات آغاز شد. امدادگران تمام تلاششان پیشگیری از خسارت‌های بیشتر بود تا جایی که ۳۰۰ متر ادر بر گرفته است. بعد هم مشخص شد که این فضا با جدا سازی تبدیل به سه فروشگاه شده است و هر لحظه به‌وسعت حریق افزوده می‌شود. عملیات سختی پیش روی امدادگران کارآموده مشهد قرار گرفت. افرادی که

حضور آتش نشانان کاشمری به یک باغ ویلای شخصی می‌شود.

اطرافیان ماجرا را این گونه تشریح کردند: اوقرار بود ساعت ۹ صبح دوشنبه به همراه تعدادی از همکارانش به باغ یکی از اقوام بروند اما او تنها می‌رود. چون مدت زیادی از اوبی خبر بودیم و به تلفنش جواب نمی‌داد، به باغ آمدیم که خبری از او نبود و تنها ساعت، کفش و برخی وسایل دیگرش کنار استخر بود. با توجه به احتمال غرق شدن این خانم ۵۷ساله، نج‌انگران آتش‌نشانی عملیات خود را در این باغ بیرون از شهر آغاز کردند. با توجه به اینکه عمق استخر بیش از ۲.۵ متر بود و گل و لای بسیاری هم داشت، غواصان به جست و جویردا ختند. پس از ۴۵ دقیقه جست و جوی پیکر این فرد از کف استخر بیرون کشیده شد. اما عملیات امدادی و احیایی نتیجه ماند و این معلم بازنشسته جان خود را از دست داد.

جوجه‌های یک‌روزه خوراک قاچاقچیان و قاتلان

پایگاه خبری پلیس | هنوز ویدئوی جوجه‌گشی در مناطق مختلف

روی خط حادثه

کشور در فضای مجازی وجود دارد. ویدئوهایی با تصاویر دل خراش که دستگاه قضا و پلیس قرار بود با عاملان این اقدام‌های غیر اخلاقی برخورد کنند، هر چند که کسی به دنبال یافتن ریشه این اقدامات نبوده است یا حداقل خبری در این حوزه فضای مجازی را تسخیر نکرده است. کشتن جوجه‌های یک‌روزه با هر بهانه‌ای، یک قسمت از ماجرای ظلم به این حیوانات ضعیف است. کشتن جوجه‌های زبان‌بسته همه ما جرا نیست. انتقال قاچاقی آن‌ها از کشور به شکلی که در این مسیر تعداد زیادی از این جوجه‌ها تلف می‌شوند روی دیگر ماجراست. دیروز مرزبانان هنگ مرزی بانه، هنگام گشت‌زنی متوجه حضور تعدادی متجاوز مرزی شدند که در حال جابه جایی محموله‌هایی مشکوک بودند. متجاوزان که از حضور مرزبانان غافل گیر شده و عرصه را بر خود تنگ دیدند با بر جای گذاشتن محموله‌های خود از محل متواری شدند. مأموران در بررسی محموله و بارهای به جا مانده از این افراد، ۱۳ هزار قطعه جوجه یک‌روزه به ارزش یک میلیارد ریال که به صورت قاچاق در حال خارج شدن از کشور بودند را کشف کردند.